

# توسل از منظر آیات و روایات

کوثر فهیمی<sup>۱</sup>

## چکیده:

توسل در لغت به معنای اتخاذ وسیله برای نزدیک شدن به چیزی، رسیدن به چیزی با میل و رغبت است. ائمه (علیهم السلام) به وسیله ادعیه و دعاها معارف ناب الهی را به مردم می‌آموختند و از این طریق به خدای رحمان برای تقرب می‌یافتند و به وسیله تقرب و اعمال صالحه شفعی برای مردم می‌شوند. در آیات بسیاری از قرآن کریم و روایات توسل را بیان کرده است و از طریق می‌توان به رد نظرات وهابیان در خصوص توسل و تضرع به ائمه را بیان کرد. و ما نیز با الگوگیری از ائمه اطهار می‌توانیم به وسیله اعمال صالحه به پروردگار تقرب بجوییم.

**کلید واژه‌ها:** توسل، ائمه، تضرع، ادعیه.

---

<sup>۱</sup>. حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) - شیراز، طلبه سال اول.

## مقدمه:

یکی از معارف مسلم و مشهور ملت تشیع توسل به اولیاء الهی و معصومین و بزرگان دین برای رفع مشکلات و برآورده شدن حاجت مشروع اسأ. از سویی معاندین و مخالفین فرهنگ تشیع همواره در طول تاریخ مسئله‌ی توسل را مشروع جلوه داده و عقیده آن را به منزله‌ی شرک به خداوند قلمداد کرده و از این طریق تشیع را به نسبت‌های ناروایی متهم ساختند در عصر ما وهابیون که به حق آلت دست استعمار و استکبار جهانی هستند. پیش از دیگران به این نسبت‌های ناروا و تهمت‌های بی جا دامن می‌زنند. ابن تمیه که پایه گذار وهابیت است توسل به پیامبر را شرک نسبت به خداوند و آزار و اذیت خود پیامبر می‌پندارند. و زیارت قبر معصومین و تضرع و استغاثه در بارگاه آنان را بت پرستی می‌شمردند وی توسل را به معنی ندا کردن شخص و آن را عملی حرام می‌داند حال در این مقاله به بررسی توسل از دیدگاه آیات و روایات از نظر دلیل و عقل و امور تکوینی می‌پردازیم.

## ۱- مفهوم شناسی توسل

### الف: معنای توسل

«توسل» یعنی اتخاذ «وسیله» برای نزدیک شدن به چیزی.

استفاده از چیزی برای تقرب به دیگری است و توسل به پروردگار و نیز به معنای استفاده از اموری مشروع برای تقرب به پروردگار که با انجام کارهای نیک به او تقرب می‌جوئیم.

توسل در لغت به معنای مختلفی آمده:

۱- نزدیک شدن؛

۲- مقام و منزلت در پیش سلطان؛

۳- درجه؛

۴- چاره جویی برای رسیدن با میل و رغبت.

الوسیله: رسیدن به چیزی با میل و رغبت.

این کلمه اخص از کلمه الوسیله است زیرا الوسیله متضمن معنای میل و رغبت (نیز) می‌باشد. «وَابْتَغُوا اللَّهَ الْوَسِيلَةَ» (مائده: ۳۵) حقیقت الوسیله الی الله (گرفتن وسیله به سوی خدا) یعنی مراعات مسیر راه و منج خدا با علم و عبادت در پیش گرفتن مکارم شریعت که در این صورت وسیله‌ی همانند کلمه القربه (نزدیکی) خواهد بود. والواسل: رغبت کننده به سوی خدا. گفته می‌شود که التوسل به معنی سرقت نیز می‌باشد. اخذ فلان ابل فلان توسل: فلانی شتر فلانی را دزدید. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوئید و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار شوید.» (مائده: ۳۵)

## ۲- حقیقت توسل در آیات

روی سخن با افراد با ایمان است و برای رستگار شدن به آنها سه دستور داده:

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوا و پرهیزگاری پیشه کنید. «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله» پس از آن دستور می‌دهد: «وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمایید.» «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» و سرانجام می‌فرماید: «در راه خدا جهاد نمایید.» «و جاهدوا فی سبیله»

و نتیجه‌ی همه‌ی اینها را در نظر دارد که «شاید در مسیر رستگاری قرار بگیرند.» «لعلکم تفلحون» موضوع مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد دستوری است که درباره‌ی انتخاب به افراد با ایمان داده شده است. توسل از دیدگاه نهج البلاغه این گونه است که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ان افضل ما توسل به المتوسلون الى الله سبحانه و تعالی الايمان به و برسوله و جهاد فی سبيله فانه ذروه الاسلام»؛ «بهترین چیزی که به وسیله توسل به خدا نزدیک شد ایمان به خدا، پیامبر او و جهاد در راه خدا است که قله‌ی کوهسار اسلام است.»

### ۳- قرآن و توسل

از آیات قرآن نیز به خوبی استفاده می‌شود که وسیله‌ی قرار دادن مقام انسان صالحی در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خداوند به خاطر او، به هیچ وجه ممنوع نیست و منافات با توحید ندارد در آیه ۶۴ سوره‌ی نساء می‌خوانیم (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، صص ۳۴): «.....وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» «و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش میکرد قطعا خدا را توبه پذیر مهربان می‌یافتند.» (نساء: ۶۴) و نیز در آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی یوسف می‌خوانیم که برادران یوسف از پدر تقاضای کردند در پیشگاه خداوند برای استغفار کننده و یعقوب نیز این توبه را پذیرفت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، صص ۲۶۳-۴۶۵).

### ۴- توسل در روایات

توسل از نظر روایات سنی و شیعه.

سهودی بیانی دارد که حاصل ترجمه‌اش این است:

«بدان که استغاثه از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و جاه و منزلت او را به پیشگاه خدا شفاعت بردن، کار انبیاء و مرسلین بوده و سیره و رفتار صلحای پیشین در همه حال، استقرار بر همین داشته چه در حال حیات آن حضرت و چه بعد از ممات تا چه در عالم برزخ و چه در عرصات قیامت و حتی پیش از خلقت آن حضرت نیز توسل و استشفاع به او سیره‌ی پیامبران بزرگ خدا بوده است.»

آنگاه می‌گوید: «در این باب روایاتی رسیده است و ما اکتفاء می‌کنیم به آنچه که جمعی از جمله آنها است.» «حاکم از عمر بيم خطاب نقل می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)

پس از آنکه آدم (علیه السلام) مرتکب (ترک اولی) گردید، در مقام توبه برآمده و به پیشگاه خدای عرضه داشت: «یا رب اشا لک بحق محمد صلی الله علیه و آله و سلم لما غفرت لی»، «خدایا به حق محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از تو خواستارم که مرا بیامرزی.» خدا فرمود: ای آدم چگونه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را شناختی و حال آنکه او را نیافریدم؟ عرض کرد: پروردگارا پس از آنکه به دست قهارت مرا آفریدی و از روح خود در من دمیدی به پایه‌های عرش نظر کردم و دیدم این کلمات بر آن نوشته است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله» از آن پی بردم که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محبوب‌ترین خلق در نزد تو است که نام او را قرینه نام خودت آفریدی.»

علاوه بر اطلاق آیات توسل که هر گونه توسل را که مخالف اصول اعتقادی صحیح اسلامی نباشد، مجاز بلکه مطلوب می‌شمرد. روایات زیادی را هم که در حد تواتر یا قریب به تواتر است در زمینه‌ی توسل داریم. بسیاری از این روایات مربوط به توسل به شخص پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که گاه قبل از تولد و گاه بعد از تولد یا در حال حیات و گاه بعد از رحلت آن حضرت می‌باشد، البته قسمتی دیگری هم اضافه بر این است که بعضی به صورت درخواست و دعا است و بعضی را خدا را به مقام پیامبر خواندن خلاصه تمام اقسام توسل در روایات متعددی دیده می‌شود به گونه‌ای که راه را بر تمام بهانه جویان وهبی می‌بندند.

حدیثی مربوط به توسل ابوطالب به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حال کودکی است خلاصه‌ی حدیث چنین است که ابن عساکر که در کتاب فتح الباری نقل می‌کند: «وقتی خشکسالی در مکه واقع شد قریش نزد ابوطالب رفته و گفته‌اند: قحطی همه جا را در هم کوبیده بیاید برویم و از خدا طلب باران کنیم. ابوطالب حرکت کرد در حالی که کودکی با او بود (منظور کودکی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود) چهره‌ی کودک مانند آفتاب درخشان بود. ابوطالب در حالی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را بغل کرده بود. پشت خود را به کعبه چسباند و به همین کودک متوسل شد در حالی که در آسمان هیچ ابری نبود، ناگهان ابرها از این طرف و آن طرف آمدند و به هم پیوستند و چنان بارانی بارید که بر اثر آن بیابان‌های خشک سرسبز شدند. (ترمذی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۱۹).

## ۵- سخن امام خمینی (رحمه الله)

ائمه طاهرین بسیاری از مسائل را با لسان ادعیه بیان فرمودند. لسان ادعیه با لسان‌های دیگری که آن بزرگواران داشتند و احکام را بیان می‌فرمودند خیلی فرق دارد اکثر مسائل روحانی، مسائل ماورا الطبیعه و آن چه مربوط به معرفه اله است با لسان ادعیه بیان فرموده‌اند. ولی ادعیه را تا آخر می‌خوانیم و متاسفانه به این معانی توجه نداریم همین دعاها، همین توجهات به خدای انسان را به مبدا غیبی متوجه می‌کند نه تنها مانع فعالیت نمی‌شود؛ بلکه فعالیت هم می‌آورد. فعالیتی که برای خودش نیست برای بندگان خدا است و می‌فهمد فعالیت برای بندگان خدا، خدمت به خدا است. اینهایی که از کتب ادعیه انتقاد می‌کنند برای این است که نمی‌دانند این کتب ادعیه چه طور انسان می‌سازد، نمی‌دانند این دعاهایی که از ائمه ما وارد شده مثل مناجات شعبانیه، دعای کمیل، دعای عرفه و سمات چه طور انسان درست می‌کند. از همین رو است که امام خمینی (رحمه الله) در آغاز تبعید به ترکیه، در

یکی از اولین نامه‌ها برای خانواده خود در ایران از آنها درخواست مفاتیح و صحیفه‌ی سجادیه را برایش بفرستند.  
(مختاری، ۱۳۹۲)

## ۶- توسل در امور تکوینی

باید این مطلب را به مردم بیاموزیم که به توسل به اولیاء الله و صالحان قناعت نکنند. اصلاً توسل درسی است برای ما، چرا به آن متوسل می‌شویم؟ برای اینکه در پیشگاه خدا آبرومندند چرا آبرومندند؟ برای اعمال صالحان پس ما باید به طرف اعمال صالح پیش برویم توسل به ما درس می‌دهد که تقرب به خدا از طریق اعمال صالح است و توسل به اولیاء الله فقط به خاطر اعمال صالحان است آنها در پیشگاه خدا مقرب شدند و ما از آنها می‌خواهیم که نزد خداوند برای ما شفاعت کنند. پس ما همه نیز باید بکوشیم آن مسیری را که آنها طی کرده‌اند را دنبال کنیم توسل باید تبدیل به یک مکتب انسان ساز و تربیت کننده شود. مبادا در توسل متوقف شویم و اهداف عالی‌ی توسل را فراموش کنیم این هم امر مهمی بود که همه باید به آن توجه داشته باشند. (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۱۳۵)

## ۷- توسل در امور تکوینی

نکته‌ی دیگر اینکه توسل به عالم اسباب هم در امور تشریحی وجود دارد و هم در امور تکوینی و هیچ کدام مانع از توحید نیست. ما هنگامی که می‌خواهیم به نتایج مطلوب برسیم، در زندگی طبیعی خودمان به دنبال اسباب می‌رویم زمین را شخم می‌زنیم، بذر افشانی می‌کنیم، آبیاری و آفت زدایی می‌کنیم، محصول را به موقع برداشت می‌کنیم و از آن برای زندگی خود استفاده می‌کنیم.

آیا توسل به این اسباب ما را از خدا غافل می‌کند؟ آیا اعتقاد به این که زمین بذر گیاهان را می‌رویاند و یا نور آفتاب و قطره‌های حیات بخش باران، بذر و گیاه و گل و میوه‌ها را پرورش می‌دهد، و به طور کلی اعتقاد به این عالم اسباب مخالف توحید افعالی است؟ به یقین مخالف نیست زیرا که ما به دنبال عالم اسباب می‌رویم اما مسبب الاسباب را خدا می‌دانیم همان گونه که توسل به اسباب طبیعی با اصل توحید منافات ندارد و این همه آوازه‌ها از شر بود در عالم تشریح نیز به توسل به انبیاء و اولیاء و معصومین و تقاضای شفاعت از آن در پیشگاه خدا هیچ منافاتی با اصل توحید ندارد. البته می‌دانیم یک گروه افراطی نیز در اینجا پیدا شدند که عالم اسباب را فکر شده‌اند، آنها به همین گمان که اعتقاد به عالم اسباب با توحید افعالی خدا منافات دارد، می‌گویند آتش نمی‌سوزاند هم به هنگام نزدیک شدن آتش به چیزی آن را می‌سوزاند. آب آتش را خاموش نمی‌کند خداوند به هنگام ریختن آب بر روی آتش، آتش را خاموش می‌کند. و به این ترتیب تمام رابطه علت و معلول که از روابط بدیهی در جهان آفرینش است فکر می‌شوند. در حالی که قرآن کریم عالم اسباب را به روشنی به رسمیت شناخته و می‌گوید: «ابرها را می‌فرستیم، این ابرها زمین‌های تشنه را آبیاری می‌کند و به وسیله آنها احیای ارض می‌شود.» «فیحیی به الارض بعد موتها» «یحیی به» یعنی به این دانه‌های باران زمین را حیات می‌بخشد. آیاتی که دلالت بر رسمیت شدن عالم اسباب دارد بسیار زیاد است. منتها این اسباب چیزی را از خودشان ندارند، هر چه دارند از ناحیه‌ی او است. این آثار را خدا به آنها داده همان گونه که منکران اسباب طبیعی، خطاکاران غافلی هستند، منکران اسباب در عالم تشریح هم خطاکارند. (بهشتی، ۱۳۳۶)

## ۸- توسل در گستره‌ی آیات و دلیل عقل

این مسئله توسل به اولیاء الله در پیشگاه خدا برای حل مشکلات مادی و معنوی از مهم ترین و جنجالی ترین مباحث میان وهابیون و سایر مسلمین جهان است. وهابیون تصریح می‌کنند توسل الی الله با اعمال صالحه اشکالی ندارد. توسل به اولیاء الله جایز نیست آن را نوعی شرک می‌دانند. در حالی که سایر مسلمین جهان توسل به اولیاء الله به معنایی که شرح خواهیم داد برمی‌شمرند. پندار وهابیون این است که آیاتی که از قرآن مانع از توسل است و آن را شرک می‌شمارند از جمله: «فلا تدعوا مع الله احدا»؛ «کسی را با خدا نخوانید.» (جن: ۱۸) توهم پندار وهابیون این است که این آیات نفی توسل به اولیا الله می‌کند علاوه بر این بحث دیگری هم از آنها می‌گویند به فرض که توسل به پیامبر در حال حیاتش طبق بعضی از روایات جایز باشد در حال وفات و بعد از مرگ دلیلی بر جواز توسل به آن حضرت نداریم.

## نتیجه گیری:

توسل یعنی تقرب به دیگری و منظور از دیگری همان خدا است. طبق گفته‌ی امیر المومنین (علیه السلام) بهترین چیزی که به وسیله آن می‌توان به خدا نزدیک شد ایمان به خدا، پیامبر و جهاد در راه خدا است. ائمه اطهار بسیاری از دعاها را با زبان خود نوشته‌اند که به دست ما انسان‌ها رسیده است که در زمان فقدان امام معصوم به وسیله‌ی این دعاها بتوانیم به خدا متوسل شویم و از او یاری بجوییم. از همین رو است که انسان‌هایی والا مقام نظیر امام خمینی (رحمه الله) در آغاز تبعدشان به ترکیه، در یکی از اولین نامه‌ها برای خانواده‌شان درخواست کردند که مفاتیح را برایش بفرستند. ما انسان‌ها به ائمه متوسل می‌شویم زیرا آنها عمل صالح و شایسته دارند و به وسیله این اعمال به خدا نزدیک هستند که می‌توانند ما در درگاه خدا متوسل می‌شوند حال ما همه باید با همین کارهای شایسته و عمل صالح که صفاتی پسندیده هستند خود را تقویت کنیم تا به خدا توسل بجوییم.

## فهرست منابع:

\*قرآن

\*نهج البلاغه

### الف: کتب فارسی

۱. بهشتی، احمد، *اسلام و توسل*، ج ۱، چاپ دوم، بهشتی، ۱۳۳۴.ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، ج ۳۴، انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶.ش.
۳. مختاری، رضا، *سیمای فرزاتگان*، چاپ دوم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۲.ش.

### ب: کتب عربی

۱. فخر رازی، *تفسیر کبیر*، ج ۴، انتشارات الان، ۱۳۰۴.ق.
۲. صحیح ترمذی، ج ۴.